پیگیری اتهامات مطرح علیه یک ناشر کمک‌آموزشی درباره تبلیغات محیطی نمایشگاه کتاب ۹۸ ما را به موارد جالبی از تناقض بین مسؤولان رساند

تخلف کرده... نکرده؟

بخشی از تبلیغات محیطی نمایشگاه کتاب تهران در سال ۹۸/ عکس: مجید آزاد

محمدصادق علیزاده
ادبیات و هنر

صبح روز گذشته کفش و کلاه کردیم به قصد میدان بهارستان و مجموعه چند طبقه ضلع غربی این میدان. اگر اطلاع ندارید باید عرض کنیم بخش مهمی از مسؤولان وزارت ارشادی، ساکن این مجموعه‌اند که در ورودی‌اش هم از داخل خیابان کمال‌الملک باز می‌شود. صبح دیروز دکتر محسن جوادی، معاون فرهنگی وزیر ارشاد در محل ساختمان معاونت، نشست خبری داشت و طبعا تعدادی از جماعت خبرنگار هم مهمان ایشان. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در این نشست خبری است. طبعا دومین نشست خبری جوادی که با حفظ سمت، همیشه رئیس نمایشگاه کتاب هم هست، بیشترین وقت خود را به مساله کتاب و کاغذ و نمایشگاه اختصاص داده بود.

منهای سوالات دیگری که همکاران ما در این نشست خبری از او پرسیدند، ما به دنبال آن مسائل مربوط به نمایشگاه کتاب بودیم. در راس این مسائل هم حواشی هم اتفاقاتی بود که در نمایشگاه کتاب ۹۸ رخ داده بود. به گزارش ایسنا، مهدی اسماعیلی‌راد معاون اجرایی نمایشگاه کتاب تهران در نشست خبری ۱۴ اردیبهشت خود در محل نمایشگاه درباره تبلیغات محیطی نمایشگاه که به یک ناشر کمک‌آموزشی (گاج) اختصاص داده شد اظهار کرد: «امسال اولین سالی بود که تبلیغات را به صورت مزایده واسپاری کردیم... ۲۷ اسفندماه شرکت تبلیغاتی ریحان‌فیلم هزینه تبلیغات را به مؤسسه نمایشگاه‌ها واریز کرد. با توجه به این‌که تجربه اول ما در مزایده گذاشتن بود بخشی از کارها از دست‌مان دررفت. این موضوع تخلف شرکت مجری بود که تبلیغات را به یک ناشر آموزشی داده بود. این موضوع برای ما تجربه‌ای شد تا سال آینده دقت بیشتری داشته باشیم.» او درباره این‌که آیا قیمت‌های مزایده به صورت عامدانه افزایش داشت که ناشران دیگر نتوانند مشارکت داشته باشند، گفته بود: «قیمت‌ها به گونه‌ای بود که دیگر ناشران آموزشی به این نتیجه رسیدند در تبلیغات مشارکت نداشته باشند.»

ساختار را تغییر دادیم

حالا ایوب دهقانکار که عضو و دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب ۹۹ تهران هم محسوب می‌شود در پاسخ به سوال ما درباره این حواشی و بحث‌هایی که مطرح شده بود از کمیته‌ای سخن می‌گوید که قرار است فرآیند واگذاری فرصت‌های تبلیغاتی را مدیریت کند. دهقانکار در پاسخ به بخشی از سوال ما می‌گوید: «برای بحث واگذاری تبلیغات محیطی نمایشگاه، کمیته‌ای تشکیل دادیم که عنوان این کمیته، کمیته بازرگانی است. عضو شورای سیاستگذاری نمایشگاه درباره اعضای این کمیته هم می‌گوید: کمیته بازرگانی ۹ عضو دارد که اعضایش عبارتند از سه نفر از معاونت فرهنگی، سه نفر از موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی و سه نفر هم از صنف نشر. این تیم ۹ نفره در این کمیته وظیفه دارند فرآیند واگذاری تبلیغات نمایشگاه به بخش خصوصی را پیگیری کرده و به نحو احسن انجام دهند. برخورد باید با شرکت تبلیغاتی باشد.

تخلف نداشتیم

درباره بخش دیگری از صحبت‌های مطرح شده در ایام نمایشگاه کتاب هم از جوادی و دهقانکار می‌پرسیم آیا برخوردی با شرکت ریحان‌فیلم و انتشارات گاج هم صورت گرفته یا نه؟ از آنجا که کسی به طور دقیق از ماجرا اطلاع ندارد، مجموعه روابط عمومی معاونت فرهنگی قول می‌دهد تا پایان وقت اداری روز گذشته این موضوع را پیگیری و نتایج آن را در اختیار ما قرار دهد. نتیجه این پیگیری و هماهنگی با قادر آشنا، مدیر موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی بود که قائم‌مقام نمایشگاه هم محسوب می‌شود. هرچند معاون اجرایی نمایشگاه کتاب در نشست خبری ۱۴ اردیبهشت امسال در مصلای امام خمینی(ره) اعلام کرده بود شرکت برنده مزایده تبلیغات تخلف کرده، اما حالا قادر آشنا که قائم‌مقام همان نمایشگاه بوده به جام‌جم می‌گوید ناظران نمایشگاه، گزارشی دال بر تخلف به او ارائه نکرده‌اند.

گاج، تخطی نکرده

توضیحات آقای قائم‌مقام هم در نوع خودش خواندنی است. توضیحاتی که البته در تناقض با صحبت‌های معاون اجرایی همان نمایشگاه رویداد است. آشنا به جام‌جم می‌گوید: «ما آیین‌نامه‌ای برای تبلیغات تدوین کرده بودیم. طبق آن آیین‌نامه هیچ ناشری حق نداشت بیش از ۲۰ درصد فرصت‌های تبلیغاتی نمایشگاه را در اختیار بگیرد. این درصد هم در نمایشگاه کتاب ۹۸ رعایت شده است.» آشنا در پاسخ به مسال‌های که معاون اجرایی نمایشگاه در اردیبهشت‌ماه و با اشاره به در اختیار داشتن بخش عمده تبلیغات نمایشگاه توسط یک ناشر کمک‌آموزشی هم به جام‌جم می‌گوید: «شاید چون بقیه ناشران تمایلی برای حضور تبلیغاتی در نمایشگاه نداشته‌اند و شرکت نکرده‌اند این برند خیلی به چشم آمده وگرنه از دید من که قائم‌مقام نمایشگاه بوده‌ام، گاج از سقف ۲۰ درصدی خود تخطی نکرده.» موضوع استقبال نکردن دیگر ناشران در حالی مطرح می‌شود که مهدی اسماعیلی‌راد، معاون اجرایی نمایشگاه در همان نشست خبری ۱۴ اردیبهشت اعلام کرده بود قیمت‌های تبلیغاتی به‌گونه‌ای بود که دیگر ناشران کمک‌آموزشی به این نتیجه رسیدند در تبلیغات مشارکت نداشته باشند.

نقدها به لایحه مالکیت فکری را من هم شنیده‌ام

از دیگر سوالاتی که در این نشست پرسیدیم، موضع معاون و معاونت متبوع ایشان درباره لایحه مالکیت فکری و معنوی بود که این روزها در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در حال نهایی شدن و آماده ارائه به صحن علنی مجلس است. لایحه‌ای که گویا توسط کمیسیون و کارگروه تدوین آن به دبیری دکتر محمود صادقی، تعجیل زیادی برای تعیین تکلیف شدن در همین دوره از مجلس هم وجود دارد تا به دوره بعدی نکشد. جوادی با اشاره به سابقه ده ساله این موضوع برای تدوین و تنظیم لایحه به ما می‌گوید: تدوین این لایحه یک فرآیند طولانی از قبل را داشته که در همان فرآیند هم جلو رفته است. این موضوع پیش از این که من معاون فرهنگی بشوم بررسی می‌شده. البته بنده هم تا حدی در جریان آن هستم ولی این که طرف مشورت بوده باشم این گونه نیست. چون فرآیند تدوین از قبل من در جریان بوده است.

جوادی در ادامه از این خبر می‌دهد که او در جایگاه معاون فرهنگی ارشاد از بعضی نقدهای صورت گرفته به این لایحه اطلاع دارد و معاونت تحت مسوولیت او هم نظراتش را درباره این لایحه به کمیسیون اعلام کرده ولی باز هم محافظه‌کارانه از بیان جزئیات این نظرات خودداری می‌کند: «این لایحه در مجلس در کمیسیون حقوقی و قضایی مطرح شده و مراحل خود را طی می‌کند. اطلاع دارم که نقدهایی به این لایحه وارد شده است و بعضی‌ها نظراتی درباره آن دارند. اینها را بعضا به من هم منتقل کرده‌اند ولی منتظریم ببینیم این نظرات و اشکالات در خود مجلس چه فرآیندی طی می‌کند. در نهایت این مجلس شورای اسلامی است که مسوول است.» از آقای معاون می‌پرسیم خودش به عنوان یکی از صاحب‌نظران و دستگاه‌هایی که این لایحه به آنها مربوط است چه دیدگاه و موضعی درباره لایحه دارد.

دکتر جوادی خیلی مراقب است که صحبت‌هایش، بوی خاصی له یا علیه لایحه ندهد: «ممکن است من یا معاونت هم نظراتی درباره این لایحه داشته باشیم. بحث آنجاست که تدوین این لایحه به صورت حالت کنوانسیونی صورت می‌گیرد و فقط نظر یک نهاد تاثیرگذار نیست. این لایحه نویسنده واحدی ندارد. مجموعه نظرات است که تبدیل به یک لایحه شده است. هر فردی یا صاحب نظری باید نظراتش را منتقل کند و ما هم منتقل کرده‌ایم. ما هم نظراتی داشته‌ایم که اینها را منتقل کرده‌ایم اما باید بدانیم که این طور نیست که فقط نظر ما یا بخش دیگری به تنهایی اعمال شود. هدف اصلی این لایحه این است که حق مالکیت معنوی در کشور جدی گرفته شود. نباید آن را طوری مطرح کرد که هدف و هویت اصلی‌اش گم شود. اگر این لایحه تبدیل به قانون شود ما آن را اجرا می‌کنیم، چرا که مجری قانون هستیم. امیدواریم به طوری پیش رود که اگر ایراد و اشکالی هم هست، برطرف شود.» اگر شما از لابه لای این جملات معاون وزیر ارشاد نظر کارشناسی درباره لایحه مالکیت فکری متوجه شدید ما هم متوجه شده‌ایم!

دیگر آنکه ...

باز هم تو کاغذ؟!

بخشی از نشست روز گذشته هم درباره کاغذ بود. ایوب دهقانکار، دبیر کارگروه کاغذ معاونت فرهنگی درباره این موضوع اعلام کرد تامین ۴۰ هزار تن کاغذ با ارز دولتی به عهده معاونت فرهنگی گذاشته شده بود که ده هزار تن از این ۴۰ هزار تا الان از گمرک ترخیص شده است. وی با بیان این که صرفا بحث تایید سفارش در وزارت ارشاد صورت می‌گیرد و ادامه این فرآیند در مجموعه خارج از وزارت ارشاد پیگیری می‌شود، افزود: تأیید پرونده‌ها توسط ما صورت می‌گیرد و در ادامه مراجع دیگری از جمله وزارت صنعت باید پرونده‌ها را تایید کنند. تخصیص ارز هم پس از این مرحله توسط بانک مرکزی صورت می‌گیرد و در ادامه هم پرونده به گمرک و ترخیص آن مربوط می‌شود.

دهقانکار ابراز امیدواری کرده به زودی بقیه محموله‌ها هم در مرحله ترخیص قرار بگیرد.

یادداشت

مریم اسدپور رحیم‌آبادی
کارشناس ارشد معماری بایونیک

بسترهای فرهنگی شهر هوشمند

این روزها با پیشرفت فناوری و حضور اینترنت در زندگی جاری انسان معاصر، به گونه‌ای که از کودک گرفته تا مسن‌ترها همه حداقل با داشتن یک گوشی هوشمند از دنیای فناوری و تمام مواهب و خطرهای آن بهره‌مند هستند؛ تعاریفی در زندگی شهری و اجتماعی و دنیای معماری و شهرسازی وارد شده‌اند که بسیار آنها را می‌شنویم. اصطلاحاتی همچون «شهر هوشمند»، «خانه هوشمند»، «اینترنت اشیا» و چیزهایی از این قبیل. اما نکته اینجاست که تعریف و آگاهی از این اصطلاحات در میان مردم چقدر دقیق و درست است یا چقدر آگاهی از نوع، نحوه اجرا یا اصلا میزان کاربردی بودن آن داریم. آیا از خودمان پرسیده‌ایم هدف و مقصود ما از ورود این اصطلاحات به زندگی شهری، طراحی شهری و معماری فضاهای عمومی و خانه‌هایمان چیست؟ یا این‌که آیا حقیقتا بسترهای فرهنگی هم همانند بسترهای فنی ـ که خود بحث مفصلی را می‌طلبد ـ فراهم شده است؟ قبل از این‌که به فکر ساخت دنیای هوشمندی باشیم، بیایید فکرکنیم هوشمندی را باید دقیقا از کدام نقطه آغاز کنیم؟ آیا همین که برای معماری خانه‌هایمان تمام قواعد فنی و مهندسی را بر اساس استانداردها طراحی و اجرا کنیم، رسالت‌مان را در برابر زندگی انسان امروزی به سر منزل مقصود رسانده‌ایم؟

من معتقدم ما در استعمال واژه‌ها هم هوشمندانه عمل نمی‌کنیم! اگر در نهایت قرار است که خانه یا شهری بسازیم برای آسودگی انسان، به جای استفاده از صفت هوشمند برای آنها باید آن را «انسان محور» بخوانیم! اگر استانداردهای ما، تعاریف ما و در سطح بالاتر دغدغه‌های ما انسانی نباشد، به جای آن‌که ما بر فناوری مسلط باشیم، خانه‌ای خواهیم ساخت که فونداسیون محکمی ندارد! یا حداقل در پیش‌بینی و محاسبه تحمل بار آن اشتباهی بزرگ مرتکب شده‌ایم! و چه کسی می‌داند با یک تکان کوچک در هر موضوعی، چه بر سر آنچه ساخته‌ایم خواهد آمد؟

شهر انسان‌محور برپایه نیازهای انسان

من بارها به زبان‌ها و با مفاهیم مختلف سعی در القای این مفهوم به مخاطبین داشته‌ام که قبل از هر اقدام فنی و علمی باید به شناخت درست از نیازهای انسان امروزی برسیم. برای داشتن شهری که به اصطلاح هوشمند باشد، ما باید بکوشیم تا انسان‌هایی هوشمند داشته‌باشیم.

شهری که قرار است بستر زندگی مدنی و طبیعی انسان باشد، می‌باست بتواند تمام نیازهای او را از فرهنگی و اجتماعی گرفته تا هنری و بصری و فیزیکی و فناورانه پاسخگو باشد!

ادامه در صفحه ۱۲

پشت صحنه

هیاهو برای پیچ!

همه چیز از یک بسته پستی شروع شد. نه این‌که رسیدن چنین بسته‌هایی در گروه ما غیرمنتظره باشد، خیر! همین‌طور از سروکول و میزهای‌مان بسته‌های پستی است که بالا می‌رود. ناشران خفه‌مان کرده‌اند با محصولات‌شان. البته خدای ناکرده یک لحظه هم فکر نکنید که ما قدردان این توجه‌شان نیستیم و طاقچه‌بالا می‌گذاریم، نه! فقط خواستیم شما تصوری عینی‌تر از روی میز گروه فرهنگ داشته باشید. اما یکی از این بسته‌ها دیروز هیاهویی در گروه به پا کرد. محمدصادق علیزاده که دریافت‌کننده این بسته حاوی دوجلد کتاب بود، لحظاتی پیش از این‌که مثل همیشه نشانش را برصفحه اول کوبیده و مالکیتش بر آن را سنددار کند، مورد شبیخون واقع شد و مجبور شد یکی از کتاب‌ها را ببخشد. خب، توقع ایجاد شده بود و باقی هم می‌خواستند آن یکی را چون همیانی از زر بستانند و از آن خود کنند. صادق، سر آخر هر دو کتاب را از کف رفته دید و با حوض خالی‌اش تنها ماند. تیترش هم می‌شود هیاهو برای پیچ. ما کاملا قانونی دو کتاب پیچاندیم. باقی هیاهوهای دیروز گروه مربوط به پیگیری سوژه‌ها بود که حالا عرض می‌کنیم خدمتتان.

همین صادق که ذکرش رفت، رفته نشست خبری معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد و تصاویری از حضور او در این نشست مخابره شده که نشان‌دهنده حالات و احوالاتی عجیب و غریب از اوست. فقط این را بدانید که نامبرده حتی لب به سیگار هم نمی‌زند. آن صورتِ فروپاشیده، صرفا منتج از خستگی بسیار است. گزارشش را در همین صفحه ۹ بخوانید و ببینید که خستگی هیچ تاثیر مخربی بر متن نگذاشته است.

در صفحه ۱۰، رسول جعفریان که یکی از مدیران فرهنگی کتاب‌دوست ماست، حسابی صابر محمدی را نگران کرده با حرف‌هایش. محصول این نگرانی، پیش روی شماست. امان از روزی که کتابخانه‌هایمان را تبدیل به یک هارد چهارترابایتی کنیم، امان! ماجرا چیست؟ از همین قرار است. خوندتان قدم رنجه کنید یک صفحه آن‌سوتر و بخوانیدش.

کجا بودید تا ببینید صورت ساناز قنبری چه نوساناتی را تجربه می‌کرد این سوی خط تلفن. آن سو، بازیگری نه‌چندان خوش‌خلق، داشت از مهر مادری می‌گفت! صفحه جذاب و خواندنی قنبری را که به بهانه سالروز درگذشت رقیه چهره‌آزاد تهیه شده است، در صفحه ۱۱ بخوانید.

واپسین صفحه گروه فرهنگ امروز زحمت آذر مهاجر است. او رد خبر تاسیس خانه‌موزه نادر ابراهیمی را گرفته و گزارشی در این باره قلمی کرده است؛ قصه‌نویس محبوبی که متن‌های ساده گاه عاشقانه‌اش، هنوز طرفداران پر و پا قرص خودش را دارد.